گویا هنوز زمانه آن نرسیده است

شماره پرسش: ۴۲۰۶۲

تاریخ ارسال پرسش: ۱۴۰۵/۴/۲۸ ۱۹:۲۶:۱۴

متن پرسش

سلام و عرض ادب بر استاد معزز مردد بودم مجددا مصدع حضرت عالی شوم یا نه. با این حال با توجه به خطیر بودن شرایط و سابقه خطاهای بزرگ حکمرانان در دو-سه سال اخیر و پیچیدگی بی‌سابقه تحولات سیاسی و تشتت آرائی که فکر می‌کنم برخی بزرگان را هم می‌تواند به اشتباه بیاندازد نکاتی عارض می‌شوم. در نوشته‌های قبلی بر اهمیت شناخت انضمامی از تاریخ و امروز در کنار بصیرت‌های کلی دینی و معنوی برای نیل به بصیرت حقیقی تأکید کرده بودم. یکی از واقعیات انضمامی امروز نقش آقای قالیباف و تیم مشاوران ایشان است و مطلب اخیر شما در تمجید از ایشان داعی برای این نامه جدید شد. از یک منظر کلی، ما شاهد یک دودستگی جدی در جناح انقلاب هستیم. از یک سو جناح سیاسی آقای قالیباف با سابقه مدیریت شهرداری تهران و ریاست مجلس که با دولت اصلاح طلب پزشکیان که مورد حمایت اصلاح‌طلبان تندرو است ائتلاف کرده است و از سوی دیگر جناح خالص انقلابی که اغلب شخصیت‌های نخبه/باسابقه مستقل بدون سابقه و/یا لاحقه سیاسی حزبی و دولتی هستند. این دو جناح در عمده مسائل مانند اقتصاد و سیاسی خارجی دارای اختلاف نظرات جدی کارشناسی و البته اعتقادی هستند که با توجه به اوضاع وخیم سه سال اخیر اختلافات آن‌ها به دعواهای لفظی پیروانشان کشیده است. این تلقی من از این شکاف است. اما با کمال تعجب مطالب جناب استاد را که درباره آقای قالیباف می‌خوانم (خصوصا پاسخ ۴۱۹۹۲) تصویری متفاوت می‌بینم. تلقی جناب استاد ظاهراً این است که آقای قالیباف مجسمه بصیرت و ایثار و حضور آگاهانه در میدان خطیر امروز در کنار مشاورانی آگاه هستند و منتقدین ایشان مشتی افراد کینه‌ای و تندرو هستند که علتش عمق نداشتن ایمان‌شان است! در حقیقت به نظر می‌رسد جناب استاد، روایت جناح آقای قالیباف را دربست پذیرفته‌اند و حاصل کار یک نگاهی است که ناخواسته سر از تملق و مداحی درآورده است! بنده در سؤال ۴۱۹۷۳ به طور مفصل به خطاهای جدی آقای قالیباف و آقای مهدی محمدی در جریان مذاکرات اشاره کردم. تقاضا دارم استاد گرامی مجدداً آن مرسوله را مد نظر قرار دهند. در این فقره موارد بیشتری عرض می‌کنم. جناب آقای مهدی محمدی، با توجه به هوش بالایی که دارند، روایتی از مذاکرات ارائه می‌کنند که طبق آن هر اتفاقی بیفتد نگاه آن‌ها نقض نمی‌شود و لذا همیشه می‌توانند وقایع را توجیه کنند. ابتدا می‌گفتند هدف تفاهم‌نامه تثبیت دستاوردهای میدانی است. اما ضمن آن این را هم می‌گفتند که البته ما خوشبین نیستیم و می‌دانیم به احتمال زیاد ترامپ سعی خواهد کرد تفاهم‌نامه را نقض کند. طبق این روایت دوگانه زیرکانه، تفاهم‌نامه چه نقض بشود چه نشود ایشان می‌توانند بگویند مصیب هستند چون هر دو حالت را پیش‌بینی کردند. اما

سؤال جدی این است که آیا دستاورد نقدی که تفاهم‌نامه به ترامپ و نتانیاهو داد قابل اغماض است؟ اعم از خروج هزاران نفت‌کش از تنگه و بهبود جدی بازار نفت و ذخایر نفتی استراتژیک آمریکا (https://farsnews.ir/EnqelabStreetTV/۱۷۸۴۲۲۰۴۷۰۴۳۸۵۲۱۹۳۵/)، ضمن خروج ترامپ از زیر فشار انتقادات سیاسی و لغو مصوبه احتمالی کنگره برای محدود کردن اختیارات جنگی او و اقدام به محاصره دریایی ایران بعد از تفاهم‌نامه و اقدام اسرائیل به اشغال و پاکسازی قومی جنوب لبنان بعد از ۲۵ سال پایداری تمامیت ارزی لبنان و ضربات جدی به زیرساخت‌های حزب‌الله. آیا همه این خسارت‌ها که برخی‌شان واقعا جبران‌ناپذیر نیز هستند قابل اغماض است؟ به علاوه آقای قالیباف تفاهم‌نامه را سند شکست آمریکا نامیدند و گفتند می‌خواهند گره‌ای که با دست باز می‌شود را با دندان باز نکنند. معنی این تعبیرها آیا این نیست که بر خلاف القائات آقای محمدی، آقای قالیباف به توفیق این تفاهم‌نامه خیلی خوشبین بوده‌اند و به آن دل بسته بودند؟! به علاوه آیا مذاکره مستقیم با آمریکا بعد از منع آن از طرف رهبر شهید آن هم بعد از شهادت ایشان معنای بسیار زشتی ندارد؟ یعنی انگار تیم مذاکره‌کننده بگوید با وجود حذف شخصیت معنوی بزرگ ایران که مانع مذاکرات بوده است ما حالا خودمان حاضریم مذاکره مستقیم کنیم با شیطانی که حالا دستش به خون رهبر ما هم آلوده است؟! به نظر شما آیا چنین برداشتی در ذهن بسیاری از سیاسیون غربی و مردم خودمان شکل نمی‌گیرد؟ پیشتر این هم عرض شد که مجموعه وفاق و آقای قالیباف و محمدی تظاهر می‌کردند که در مذاکرات همه چیز با رهبر معظم هماهنگ است. روایتی که آقای نبویان و برخی دیگر از نخبگان جبهه انقلاب دادند و بعدا با پیام علنی رهبری تأیید شد این بود که بر خلاف قول آن‌ها تخطی‌های جدی در مذاکرات از خطوط رهبری اتفاق افتاده بود که موجب تذکر جدی ایشان شده بود که منجر به اعلام برائت محترمانه ایشان از مذاکرات در پیام علنی ایشان شد! بنده برخی از این موارد را در سؤال ۴۱۹۷۳ هم مطرح کرده بودم اما استاد محترم با تذکر یک سری کلیات به راحتی از کنار همه آن‌ها بدون هیچ پاسخی عبور کردند و امروز می‌بینم به یک نگاه تملق‌آمیز و شاعرانه از آقای قالیباف و محمدی رسیده‌اند! بنده تلقی‌ام این است نگاه عارفانه و رومانتیکی که حضرت استاد به عالم و آدم دارند (که در جای خود بسیار مطلوب و عالی است) اما از حیث روش‌شناختی این تهدید را ایجاد می‌کند که با نگاه اسماء اللهی! و رحمانی! به شایستگی‌های نسبی و سمبولیک افراد (مانند سابقه ایثارگری آقایان پزشکیان و قالیباف) این خطاها و اشکالات جدی آنها را نبیند؛ خصوصاً که در اطراف آقای قالیباف مشاورانی هستند که شخصاً انسان‌های مؤمن و نجیب و باهوشی هستند اما چه کنیم در عرصه پیچیده سیاست ایمان و نجابت و هوش به تنهایی کافی نیست و برخی مسائل سیاسی آنقدر تخصصی و فنی و پیچیده و نیازمند ملاحظات جامع است که متخصصین هم دچار اشتباه می‌شوند، چه برسد به اینکه استاد گرامی بخواهند ایده غروب هسته‌ای و طلوع نفتی آقای شاکری مشاور اقتصادی آقای قالیباف را که ایده‌ای برای همکاری نفتی استراتژیک با آمریکا بوده را به عنوان یک سند افتخار برای آقای قالیباف تلقی کنند با اینکه این ایده به عنوان یک ایده استعماری از طرف کارشناسان

انقلابی نقد شده است! بگذریم که همین آقای شاکری با دفاع از راه‌اندازی سیاست ارز توافقی به دست آقای همتی، در فاجعه سقوط بی‌سابقه ارزش پول ملی در دو سال اخیر که نهایتاً موجب شورش‌های دی‌ماه شد مقصر هستند. مطالبی که عرض شد به طور تفصیلی از طرف نخبگان جبهه انقلاب مطرح شده است ولی نه تنها مسموع واقع نشده بلکه ایشان در این مدت از طرف جریان اصلاحات و برخی نزدیکان آقای قالیباف مورد طعن و هتاکی قرار گرفته‌اند اما حضرت استاد می‌پندارند این نخبگان منتقد آقای قالیباف هستند که دچار تندروی هستند آن هم به دلیل ضعف ایمان! متاسفانه همین نگاه اما به شکل غلیظ‌تر و تندتر آن در آقای دکتر مجتبی زارعی هم هست که یگانه همّ خود را در این دو سال درگیر شدن با همه نخبگان منتقد وفاق و آقای قالیباف کرده‌اند و همزمان داعیه سیاست فطرت و متعالیه نیز دارند! استاد محترم! فرصت بیشتر برای تفصیل این انتقادات فنی و تخصصی نیست. اما تأمل در لیست بلندبالای منتقدان آقای قالیباف که طیفی از چهره‌های نخبه سیاسی‌تر تا فنی‌تر جبهه انقلاب را تشکیل می‌دهد باید موجب شود که در اعتماد مطلق به دو سه چهره متخصص اطراف آقای قالیباف تردید نمایید: آقایان رسایی، ثابتی، نبویان، ایزدخواه، جبرائیلی، صمصامی، فؤاد ایزدی، عطا بهرامی، یوسف عزیزی، علی عبدی، فرشاد مؤمنی، حسین راغفر، حسین دهباشی و ... این تصور که این طیف متنوع که همگی یا سابقه سیاسی قابل توجه و/یا سابقه علمی و تخصصی دارند و اغلب درست‌ترین پیش‌بینی‌ها را در موضوعات مختلف داشته‌اند همگی اشتباه می‌کنند و فقط آقای قالیباف و محمدی و شاکری درست می‌گویند به نظرم ناشی از کانالیزه بودن منابع اطلاعاتی استاد گرامی است. برای آشنایی بیشتر با این طیف منتقد گفتگوی اخیر دراین لینک را نیز علاوه بر لینک‌های پیام‌های قبلی پیشنهاد می‌کنم https://www.aparat.com/v/gaf۲w۲۸ حضرت استاد هر طور صلاح دیدند این پیام را با کم یا زیاد منتشر بفرمایند یا نفرمایند. مشکلی نیست. عذرخواه از تصدیع و التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: خدا قوت! در راستای دو گفتگویی که تحت عنوان«ما را گفت و گویی در میان است» https://eitaa.com/matalebevijeh/۲۳۱۲۴ و https://eitaa.com/matalebevijeh/۲۳۱۶۷ عرض شد . عنایت دارید که ورود این‌گونه به این مباحث نیاز به فرصت زیاد دارد تا بتوانیم روح و روحیهٔ همدیگر را درک کنیم بخصوص که بنده ابداً و ابداً منتقدین به آقای قالیباف را «مشتی افراد کینه‌ای و تندرو» نمی‌دانم و نگفته‌ام. و این بسیار برای امثال عزیزانی چون جنابعالی خطرناک است. و از آن بدتر این‌که می‌فرمایید: «در حقیقت به نظر می‌رسد جناب استاد، روایت جناح آقای قالیباف را دربست پذیرفته‌اند و حاصل کار یک نگاهی است که ناخواسته سر از تملق و مداحی درآورده است». خدا به من و شما هر دو رحم کند. به من رحم کند اگر چنین نگاهی دارم! و به شما رحم کند اگر چنین برداشتی از سخنان بنده حقیر دارید! به نظر بنده همهٔ

مشکل آن است که جایگاه تاریخی تفاهم نامه درست دیده نشود و فکر می‌کنم رهبر معظم انقلاب با تمام امید در این آخرین پیام‌شان سعی بر آن داشتند تا از این زاویه ما را وارد تاریخی کنند که بتوانیم «همدیگر» را بفهمیم و در این صورت نگاه امثال جنابعالی به بنده به این‌که گمان شود منتقدین آقای قالیباف تندرو هستند، به کلی تغییر می‌کند زیرا بنده عزیزان را دعوت به «تفکر» می‌کنم و اتفاقاً نگاه جناب آقای دکتر مجتبی زارعی در حالت کلی، نگاه حکیمانه می‌دانم
https://eitaa.com/Dr_Zareii_Siasatefetrat/۴۰۱۵ و این را برای امثال جنابعالی بسیار خطرناک می‌دانم که شخصیتی همچون آقای دکتر مجتبی زارعی را درک نکنید.
آرزومندم افرادی مانند آقایان رسایی و ثابتی و نبویان بتوانند افرادی چون آقای زارعی را درک کنند، در آن صورت است که ما در جهان «دیگری» وارد می‌شویم که بحث آن مفصل است. حقیقتش انتظار داشتم بعد از پیام اخیر رهبر انقلاب این نوع نگاه که بیشتر نفی نگاه هر آنکس غیر از نگاه خودتان است تغییر کند، به همان صورتی که جناب آقای دکتر سعدالله زارعی در یادداشت اخیر خود در روزنامه کیهان تحت عنوان «توشه‌ای از پیام بصیرت و جهاد رهبر انقلاب» در این مورد متذکر نکات خوبی شده‌اند. https://eitaa.com/MANABEVIZHEH/۷۹۷
البته بنده با نظر به دغدغه‌های دلسوزانه جنابعالی و امثال جنابعالی به هیچ وجه ناامید نمی‌باشم، از آن جهت که انقلاب اسلامی راهی می‌باشد به سوی تعالی هرچه بیشتر انسان‌ها در انسانیت خود و دیگران، امری که در پرسش و پاسخ شماره ۴۲۰۵۹ می‌تواند مدّ نظر قرار گیرد.
https://eitaa.com/matalebevijeh/۲۳۳۰۰ و سعی بنده آن است در سلسله مطالب «روایت‌های برترین حضور» https://eitaa.com/bartarin_hozoor متذکر همین امر باشم که البته گویا هنوز زمانهٔ آن نرسیده است. موفق باشید